



در نشست «آسیب شناسی شعر کودک» مطرح شد

بر خورداری از شعر و قصه خوب از حقوق کودکان است ...

بخش دوم و پایانی

تنظیم گزارش: سمانه آزاد

کلیدواژه‌ها: شعر کودک، شعرهای آموزشی، ادبیات کودکان

اشاره

در بخش نخست میزگرد آسیب شناسی شعر کودک که در شماره قبیل فصل نامه رشد آموزش پیش دبستانی و با عنوان «شعر کودک، ابزار آموزش نیست» چاپ شد با بخشی از نظرات دکتر فرخنده مفیدی، سردبیر و مرتضی طاهری از اعضای هیئت تحریریه مجله و آقایان مصطفی رحماندوست و اسدالله شعبانی از شاعران کودک و نوجوان و نیز آزاده فضائلی، دانش آموخته رشته آموزش پیش دبستانی آشنا شدیم. در بخش دوم این نشست که در پی می آید، با نظرات فریبرز لرستانی، شاعر و مربی کودک و نیز سؤال های تازه سردبیر از اعضا میزگرد آشنا می شویم.



افرادی برای بچه‌ها شعرها و قصه‌های خوبی می‌گویند که باید به دست مخاطبان برسد. بعضی مهدها و مراکز پیش دبستانی هنوز بازاری فکر می‌کنند، ولی برخی مهدها هستند که مسئولانشان آگاهانه عمل می‌کنند. اگرچه هنوز مشکلات اجرایی دارند. به هر حال ما هنوز در خصوص شعر کودک با مشکلاتی مواجهیم و هنوز برخی به شعر کودک نگاه آموزشی دارند. یعنی شعر باید جنبه تربیتی داشته باشد تا بچه زود بزرگ شود.»

بار دیگر شعر و آموزش

سردبیر فصل‌نامه رشد به نکاتی از مباحث مطرح شده اشاره کرد و گفت: «به نظرم همه ما درباره این موضوع اتفاق نظر داریم که شعر جایگاه مهم و با ارزشی در کار با کودک دارد، با وجودی که هنوز جایگاهش را به طور اصولی پیدا نکرده است. ما در این زمینه نقاط کوری داریم و باید در

از کودکان می‌دانیم ولی دلیل بر این نیست که بهتر از آن‌ها می‌فهمیم. بنابراین ما باید در خصوص درک و تعاملات احساسی کودک کار کنیم، طوری که کودک از همه جوانب زندگی لذت ببرد. از غم‌ها، شادی‌ها، استرس‌ها و آرامش‌ها. چون کودک هم مانند ما زندگی می‌کند، معاشرت‌های اجتماعی، شادی مادر، عصبانیت پدر و... را می‌بیند و دور از زندگی نیست. کودک حق دارد که به شادی‌ها و غم‌ها و اضطراب‌ها فکر کند چون با آن‌ها درگیر است اما با منطقی کودکانه. از دید من، در شعر کودک بحث زندگی باید جدی باشد. در ادبیات کودک شعرها و شاعران بسیار خوبی داریم، اما راهکارهایی باید ارائه شود. چون شاعران و نویسندگان کودک زحمت می‌کشند، اما باز همان ادبیات بازاری در مهدها رواج دارد. برای مثال، اگر مدیری با نحوه آموزش من مشکل داشت یا مخالف بود، از او می‌خواستم تا جلسه‌ای با حضور اولیا برگزار کند، من وقتی با اولیا درباره شعر کودک و ویژگی‌ها و تأثیرش بر غنای شخصیت کودک صحبت می‌کردم، یک مادر معمولی هم وقتی از جلسه بیرون می‌رفت با مطالبی که در جلسه بیان کرده بودم، ارتباط برقرار می‌کرد و حتی برخی می‌پرسیدند که جلسه بعدی کی برگزار می‌شود؟

«زندگی» در شعر

در ادامه این میزگرد فریبرز لرستانی که تجربه هنری و سابقه فعالیت در مراکز پیش دبستانی دارد، بحث زندگی در شعر کودک را مهم ارزیابی کرد و گفت: «من به عنوان کسی که ۲۳ سال مربی هنر مراکز پیش دبستانی بودم، وقتی درگیر شعر و قصه گفتن برای بچه‌ها شدم و یا نقاشی کار می‌کردم، متوجه شدم غیر از شعر و قصه، مباحث بسیاری در آموزش پیش از دبستان وجود دارد که مشکلاتی مانند بخش شعر و قصه را دارند. یعنی نوعی شتابزدگی در رشد همه‌جانبه کودک وجود دارد؛ کودک زودتر زبان انگلیسی را یاد بگیرد، زودتر به کلاس ژیمناستیک برود، زودتر پیکاسو شود و... من مشکلات زیادی با والدین داشتم. سعی می‌کردم کودک هویت و فردیت خودش را در نقاشی پیدا کند، اما والدین گله داشتند که چرا سماور را کامل نکشیده، چرا برای بچه‌ها نمایشگاه نمی‌گذارید و...»

این شتابزدگی در تمام جنبه‌های رشد کودک هست، در شعر هم که انتظار اولیا بیشتر است و می‌خواهند کودکان زودتر شعر یاد بگیرد. من در کتابی خواندم که درست است که ما خیلی چیزها را بیشتر



مصطفی رحماندوست: اگر پدر و مادر امروز برای بچه‌ها شعر و قصه نمی‌خوانند و با آدم‌ها بازی نمی‌کنند، به این دلیل است که برای آن‌ها نه شعر و قصه گفته شده و نه با آن‌ها بازی کرده‌اند که لذت ببرند

حق دارند شعر و داستان خود را داشته باشند و با آن زندگی کنند. بعضی از شعرهای ریتمیک که موضوعی را آموزش می‌دهند، مورد پسند بچه‌ها قرار

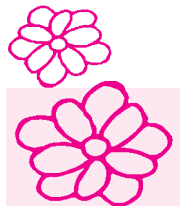
می‌رسد اشعار ما باید به سمت و سوی هم برود که بعضی مفاهیم و موضوع‌ها را تلطیف کند.

نکته دیگر دربارهٔ رواج آموزش فلسفه به کودکان است. آیا می‌توان برای شعر در این زمینه جایگاهی تعیین کرد؟ اکنون آموزش فلسفه جایگاه خود را در مراکز پیش از دبستان پیدا کرده است و کتاب‌های ایرانی در این زمینه نوشته می‌شود. آیا نباید شعری که هدایتگر به این سمت و سو باشد (البته نه برای بازار، بلکه به دلیل جایگاه با ارزش شعر) وجود داشته باشد؟ در این جا باز هم بحث شعر و آموزش پیش می‌آید. شما به این مسأله چه‌گونه نگاه می‌کنید؟

اسدا... شعبانی در پاسخ به این سؤال‌ها گفت: «ابتدا باید نگاه و تلقی ما از شعر و قصه مشخص شود. شعر و قصه قصد آموزش ندارد بلکه قصد پرورش و تربیت دارد. چون این مقوله‌ها وجههٔ هنری دارد پس نمی‌توان به زبان مستقیم آموزش داده شود و آموزه‌ها را در خودش به صورت هنری عرضه

خانواده‌ها و جامع تغییر نگرش‌هایی ایجاد شود تا شاعران خوب و ناشران موفق در این زمینه معرفی شوند، تا مربیان و کسانی که عهده‌دار امر تربیت هستند، به خوبی و درستی از شعرها استفاده کنند. چون گاهی اوقات شعر خوب است اما نمی‌توانند به درستی از آن بهره بگیرند.»

ایشان هم‌چنین زمینه تازه‌ای را در اشعار کودک مطرح کردند و اضافه کردند که **فردریک فروبل** مربی بزرگ آلمانی و پدر کودکستان که ترانهٔ «به توپ دارم قل قلبه» را نیز سروده است و این شعر در همه ملل و به زبان‌های مختلف جایگاه خاصی پیدا کرده است، می‌گوید شعر کودک باید ویژگی خاص خود را داشته باشد. وی معتقد است که اشعار کودکانه باید ضمن جذابیت، دربارهٔ کودک و برای کودک باشند. بلند نباشند و کلمات سنگین و غیرقابل فهم کودکان را در بر نداشته باشند. همان‌گونه که در شعر منسوب به ایشان در می‌یابیم که بالا رفتن و پایین آمدن توپ، رنگ و شکل و اندازه آن جنبهٔ غیرمستقیم آموزش را پیدا می‌کند.



اسدالله شعبانی: وقتی برای نظام آموزشی کشور مهم نیست که مربی چه کسی باشد یا زیر بار حق هنر برای کودکان نمی‌رود، یا وقتی در کتاب‌های درسی به طور مرتب بحث آموزشی را مطرح می‌کند و ساعتی برای فعالیت‌های ذوقی بچه‌ها در نظر نمی‌گیرد، از همهٔ جوانب دچار مشکل می‌شویم



می‌گیرند و خانواده‌ها گمان می‌کنند چون چیزی را آموزش می‌دهد بچه‌ها می‌پسندند، در حالی که وزن و موسیقی شعر است که بچه‌ها را جذب می‌کند و از آن لذت می‌برند. پس تلقی ما، تلقی شعر بودن یک شعر و قصه بودن یک قصه است که با آموزش متفاوت است.

دومین مسألهٔ ما این است که شعر و قصه برای گروه‌های سنی مختلف

می‌کند. این باید اولین تلقی ما از شعر، قصه و هنر باشد.

اگر شیوهٔ آموزش مستقیم را در شعر و قصه به کار ببریم، هنر کودکان را ضایع کرده‌ایم. این موضوع باید در سطح ملی جا بیفتد که شعر و قصه محمل و ابزار آموزش نیست. همان‌طور که ما نمی‌خواهیم از شعر حافظ چیزی یاد بگیریم و فقط لذت می‌بریم، کودکان هم

دکتر مفیدی در ادامه به شعرهای موضوعی و نقش شعر در تلطیف آموزش برخی موضوعات اشاره کرد و گفت: «موضوعاتی وجود دارند که ما می‌توانیم از طریق شعر به کودکان آموزش دهیم. یعنی همان بحث شعر و آموزش مطرح می‌شود. مثلاً آیا در آموزش درسی مانند ریاضی و تلطیف کردن آموزش و یادگیری آن نمی‌توان از شعر استفاده کرد؟ به نظر

داشتند؛ بقیه بازاری بودند. در اوایل انقلاب، ناشری از من خواست که کتاب‌هایی را از من با تصویرگری خوب منتشر کند اما بعد متوجه شد که با این روش کتاب به فروش نمی‌رود. به همین دلیل کتاب را با تصویرگری معمولی تبدیل به کتابی بازاری و بنجل کرده بود، که نتیجه آن ۲۷ بار انتشار با تیراژ سی هزار جلد بود. یعنی متأسفانه بالاترین تیراژ فروش کتاب با نام من بود. یعنی اگر کتاب خوبی از کار درمی‌آمد فروش خوب نداشت، اما کتاب بد و بازاری را منتشر کرده بودند که فروش خوبی داشت. سیاست نشر ما به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برمی‌گردد که سیاست قابل تأملی است. یعنی ناشر بازاری که به قصد

به لحاظ موضوع می‌توانیم شعرها را تفکیک کنیم. من در کتاب «خرمن شعر» همین کار را انجام داده‌ام. موضوعات کلانی را در نظر گرفته‌ام که در مراکز پیش از دبستان به بچه‌ها آموزش می‌دهند. زیر مجموعه‌هاشان را مشخص کرده‌ام و شعرهایی را برگزیدم که این زیرمجموعه‌ها را پوشش می‌دهد. به این ترتیب، وقتی مربی می‌خواهد درباره خدا، نماز، دریا و... شعری را آموزش دهد، می‌تواند براساس فهرست شعرهای مناسب را انتخاب کند. این شعرها نمی‌خواهند دقیقاً موضوع مدنظر مربی را آموزش دهند، اما شعرهای توانمند آموزش مربی را صیقل دهند و لطیف کنند. یعنی تخیل شعری می‌تواند موضوع آموزشی را کامل کند و پرورش دهد.

متفاوت است. برای گروه سنی خردسالان مضمون‌هایی را به کار می‌بریم که ظاهراً شعر نیست، اما در بطن آن شعر هست. ما که شاعریم می‌دانیم وقتی دو کلمه کنار هم می‌نشینند، چه زیبایی‌هایی را می‌آفرینند. زیبایی‌شناسی ادبیاتی این نوع آثار را ما می‌شناسیم که به بچه‌ها هم ارائه می‌دهیم. گاهی ما دو کلمه هماهنگ را در شعر می‌آوریم که برخی گمان می‌کنند که فقط پیوند معنایی دارد، در حالی که پشت این کلمه‌ها مفاهیم عاطفی وجود دارند.

شعر، صیقل دهنده آموزش

این‌ها فن‌هایی هستند که در این گفت‌وگو نمی‌توان آموزش داد. پس اگر



فریبرز لرستانی: کودک حق دارد که به شادی‌ها و غم‌ها و اضطراب‌ها فکر کند. چون با آن‌ها درگیر است اما با منطقی کودکانه. از دید من، در شعر کودک بحث زندگی باید جدی باشد

تولید کتاب پا به عرصه نگذاشته، از همان امتیازاتی برخوردار می‌شود که یک ناشر با تولیدات خوب. یعنی برای ناشر بازاری محدودیتی ایجاد نمی‌کنند. ضمن این که همین ناشران بازار را در اختیار می‌گیرند. یعنی در بازار بین‌الحرمین کتاب‌ها را با ۷۰ درصد تخفیف و با تیراژ صد هزار نسخه می‌فروشند. خریداران هم کتاب‌ها را در کیوسک‌های مطبوعاتی شهرستان‌ها می‌چینند، خانواده‌ها هم که شناخت و آگاهی زیادی ندارند و حتی نشریه‌ای در این زمینه برای آن‌ها منتشر نمی‌شود، کتاب‌ها را می‌خرند. بنابراین مشکل ما مشکل ساختاری است و چون افسرد متخصص بر سر کار نیستند، نتیجه کار هم غلط از آب در می‌آید.

اگر این شیوه اجرا شود، هم هنر شعر کودک‌کان و هم محتوای آموزشی را خواهیم داشت. ضمن این که آگاهی عمومی خانواده‌ها و مربیان بالا می‌رود. مانع دیگری که وجود دارد، کارگزاران فکری و فرهنگی جامعه هستند. وقتی برای آن‌ها مهم نیست که مربی چه کسی باشد یا زیر بار حق هنر برای کودکان نمی‌رود، یا وقتی در کتاب‌های درسی به طور مرتب بحث آموزشی را مطرح می‌کند و ساعتی برای فعالیت‌های ذوقی بچه‌ها در نظر نمی‌گیرد، از همه جوانب دچار مشکل می‌شویم. بنابراین، لازمه پرورش کودکان خوب، پرداخت همه جانبه به قضیه است.»

اسدا... شعبانی اضافه کرد که امسال در بخش کودک و نوجوان نمایشگاه کتاب، از هر پنجاه ناشر شاید دو ناشر کتاب کودک

فنی است همان هنری است که هر کس نمی‌تواند آن را انجام دهد و باید کارکرد. مسأله دیگر این است که گروه‌های سنی خردسال هر چه پایین‌تر باشند، پیوندهای آوایی بر پیوندهای معنایی غلبه پیدا می‌کند و هر چه بالاتر می‌رویم (مثلاً برای جوانان و بزرگسالان) ممکن است به جایی برسیم که پیوند آوایی وجود نداشته باشد. پس ما این موازنه را داریم که نیازمند دانش است. اما درباره این سؤال که چگونه می‌توانیم شعر را وارد زندگی بچه‌ها کنیم باید گفت که ما درباره «ویژگی‌های شعر چیست؟» بحث‌های نظری زیادی داریم. یکی از ویژگی‌های شعر خردسالان که روی آن‌ها تأثیر می‌گذارد این است که مضمون‌هایی متناسب با دنیای بچه‌ها داشته باشد. البته



درست است که قرار نیست همه شعرهای من یا آقای رحماندوست به مهدهای کودک راه پیدا کند، اما باید دانست که چه شعری برای چه گروه سنی مناسب است. پس مربی باید بتواند انتخاب خوبی در این زمینه داشته باشد. اما متأسفانه، به جای این که مربی انتخاب خوبی داشته باشد، از او می‌خواهند که شعر تولید کند.»

اول شعر بعد آموزش

در بحث کتابهای آموزش فلسفه به کودکان که سردبیر فصل‌نامه مطرح کردند، مصطفی رحماندوست نیز تأیید کرد و رواج آموزش فلسفه به کودکان را هم چون موجی یاد کرد که البته موجی مثبت است و گفت: «ببینید! آموزش در شعر جا دارد و ما شعر آموزشی داریم، اما همان‌طور که از نامش پیداست، ابتدا شعر است و بعد آموزش. در خصوص آموزش فلسفه هم که به آن اشاره کردید، باید گفت که این موضوع تبدیل به مد شده است که به زودی هم از مد می‌افتد.»



پیدا کند اما همان کسانی که فلسفه کار می‌کنند، به سراغ آمده بودند و می‌گفتند درباره آموزش فلسفه شعر بگو. من می‌گویم برای من آموزش فلسفه به وسیله شعر با آموزش اصول دین یا اصول موسیقی به وسیله شعر فرقی نمی‌کند، چون در این جا شما می‌خواهید شعر را ابزاری قرار دهید تا خودتان را مطرح کنید.

البته جای قرآن در مهد کودک هست، اما قرآنی که برای خردسالان گزیده یا معنی شده باشد. او در ادامه به مشکلات نظام آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «نظام آموزش و پرورش ما نظامی عقب مانده است و ما از نظامهای پیشرفته حدود صد سال عقب هستیم. یکی از دلایل این موضوع هم این است که ما هم چنان عقب‌ماندگی را تجربه می‌کنیم. اگر امروز بچه‌های ما درست تربیت شوند، وقتی خودشان پدر و مادر شدند، دیگر اشتباه پدر و مادر امروزشان را تکرار نمی‌کنند. اگر پدر و مادر امروز برای بچه‌ها شعر و

آزاده فضاییلی: ما باید خودمان باشیم و نخواهیم الزام مدل‌های دیگران را دنبال کنیم و به بچه‌هایمان هم اجازه دهیم خودشان باشند

قصه نمی‌خوانند و با آدم‌ها بازی نمی‌کنند، به این دلیل است که برای آن‌ها نه شعر و قصه گفته شده و نه با آن‌ها بازی کرده‌اند که لذت ببرند. بنابراین آموزش و پرورش هم چنان اشتباهاتش را تکرار می‌کند، باید زمانی این اشتباه‌ها را قطع و آموزش را برای بچه‌ها لذت‌بخش کرد، تا بتواند این لذت را به نسل بعدی منتقل کند.»

روی دیگر سکه

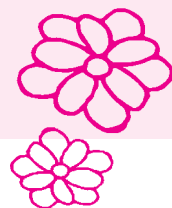
رحماندوست ورود کتاب حتی کتاب‌های نه چندان مناسب را به خانه‌ها مایه خوشحالی دانست و گفت: «البته من درباره ورود کتاب‌های نامناسب به خانواده‌ها و مهدها و مراکز پیش‌دبستانی نظر دیگری هم دارم: من خیلی خوشحالم که این کتاب‌ها خریداری می‌شوند و امیدوارم این مرحله ابتدایی باشد و در مراحل بعدی خانواده‌ها و مربیان کتاب‌های خوب و مناسب را بخرند.»

یادمان باشد که تا پانزده سال پیش همین کتاب‌های نامناسب هم خریداری نمی‌شدند. اگر اکنون حدود پنج هزار عنوان کتاب منتشر می‌کنیم نباید فراموش کنیم که حدود ۱۶ سال پیش ۳۰۰-۲۰۰ عنوان کتاب منتشر می‌کردیم. پس اکنون یک اتفاق در کشور افتاده است که کسی دو هزار تومان پول بابت همان پنج کتاب نامناسب بپردازد. قبلاً این اتفاق نمی‌افتاد. از این پس کار به عهده من و شما، آموزش و پرورش و رسانه‌هاست که سطح تفکر کسانی را بالا ببرند که مرحله اولیه را طی کرده‌اند و به سمت خرید کتاب‌های مناسب سوق دهیم. با وجود این مسائل، مهم این است که ناامید نشویم و روبه جلو حرکت کنیم و مراحل را یکی یکی طی کنیم از خانواده‌ها شروع کنیم، قصه‌گویی را گسترش دهیم، از آموزش و پرورش طلبکار شویم.»

حرف‌های آخر

فرخنده مفیدی، سردبیر نشریه رشد پیش‌دبستانی، با تشکر از اعضای شرکت‌کننده در نشست شعر در جمع‌بندی مطالب مطرح شده اظهار داشت: نکات بسیار خوبی درباره موضوع و هدف این جلسه بیان شد. شما می‌دانید که فصل‌نامه رشد آموزش پیش‌دبستانی با تیراژ بسیار بالاتر از نشریه‌هایی که در همین فاصله زمانی کار کرده‌اند، به کار خود ادامه داده است. علت این موضوع هر چه باشد، به قول آقای رحماندوست آن اتفاق مهم افتاده

البته من خیلی خوشحالم که موج فلسفه راه افتاده است، چون کسی که می‌خواهد وارد دنیای تفکر شود، باید ابتدا تفکر منطقی داشته باشد. پس بگذارید فکورزی ایجاد شود. اگر در پیوند با آن شعروزی ایجاد نشد هم مشکلی نیست. خیلی از اتفاقاتی که در اطرافیان می‌افتد، به دلیل نبود فکورزی و تفکر منطقی است. اشکالی ندارد که فلسفه گسترش



برای فلسفه هستند. آن‌ها داستان‌هایی هستند که برای فلسفه نوشته می‌شوند ولی من کاملاً مخالف این موضوع فکر می‌کنم. چون ما ایرانی هستیم و مادر بزرگ‌های ما نصف سخنان خود را با شعر می‌گفتند. پس ما باید خودمان باشیم و نخواهیم الزاماً مدل‌های دیگر را دنبال کنیم و به بچه‌هایمان هم اجازه دهیم خودشان باشند.»

مرتضی طاهری عضو هیئت تحریریه نشریه رشد آموزش پیش دبستانی نیز پیام خود را با چند پیشنهاد ارائه داد: «شاعران باید درباره بحث فطرت‌گرایی و توحید با

خوب هنری هست و مربی باید متناسب با هدف و کارش شعر را انتخاب کند. وقتی مربی شناخت خوبی داشته باشد، شعر مناسب با موضوع مورد نظرش را به راحتی انتخاب می‌کند. من به عنوان شاعر متناسب با علاقه‌ام برای گروه‌های سنی مختلف شعر می‌گویم و مربی با دانشی که دارد دست به انتخاب می‌زند. زمانی انتخاب مربی مؤثر است که مخاطب با این اثر زندگی کند. اگر مربی این توانایی را داشت، مربی خوبی است. اگر من شاعر بتوانم شعری بگویم که مربی بتواند انتخاب کند، شاعر بدی نیستم. اما وقتی به این دو نکته توجه نکنیم تنها

است و ما هم تا جایی که در توان داریم فعالیت‌مان را ادامه می‌دهیم. شما می‌دانید که ما قصه‌های فراوان هم داریم، رنج‌های زیادی کشیدیم و می‌کشیم. مثلاً درباره موسیقی ما هنوز مشکلاتی داریم و در خصوص هر موضوعی که قصد بیان آن‌ها را داشتیم حرف و حدیث‌هایی وجود داشته است. در این فصل‌نامه که برای کودکان است، حرف‌های منطقی، خوب و بزرگی زده می‌شود و همگان (کسانی که در آموزش و پرورش هستند) آن‌ها را تأیید می‌کنند و به همین دلیل نیز فعالیت خود را پیش می‌برد. شما با حضورتان در این جلسه‌ها،



دکتر فرخنده مفیدی: اکنون آموزش فلسفه جایگاه خود را در مراکز پیش از دبستان پیدا کرده است و کتاب‌های ایرانی در این زمینه نوشته می‌شود. آیا نباید شعری که هدایتگر به این سمت و سو باشد، وجود داشته باشد؟

همان ظرافتی که در مباحث این نشست مطرح شد، بیش تر توجه کنند. ضمن این که در شعرهایی که می‌سرایند بحث «انس و الفت» و «حساس و عاطفه» بر مسائل آموزشی ترجیح پیدا کند و حتی مسائل آموزشی هم به این نکات اشاره داشته باشد. سومین نکته این که تأثیر شعر ولو آموزشی بسیار زیاد است. البته آموزش‌های لطیف و احساسی و غیرمستقیم و بحث‌های قرآنی هم باید با ظرافت در شعرها مطرح شود.»

سردبیر فصل‌نامه ضمن تشکر مجدد از همه شرکت‌کنندگان و سهم مؤثر آن‌ها در گفت و گوی شعر، کل مباحث را ارزشمند خواندند و ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای همه ادامه این مباحث را لازم دانستند.

چیزی که ضایع می‌شود حق کودک است.» فریبرز لرسناتی نیز گفت: «ولیا باید تخیل بچه‌ها را جدی بگیرند و به آن احترام بگذارند و کتاب‌هایی را در دسترس بچه‌ها قرار دهند که به لحاظ روان‌شناسی رشد مورد تأیید و برای گروه سنی کودکان مناسب هستند.»

و مصطفی رحماندوست افزود: «مربی عزیز من! پدر و مادر گرامی! پیشنهاد من این است که با خواندن شعر ناب با بچه‌ها و بازی کردن با آن‌ها از زندگی تان لذت ببرید. فن لذت بردن از بچه‌هایی را یاد بگیرید که خداوند به شما عطا کرده است.»

کمک بسیاری به مربی‌ها و والدین و جامعه دانشجویی می‌کنند: چون مخاطبان این مجله علاوه بر والدین و مربیان، کارشناسان و دانشجویان نیز هستند. بنابراین، در نوع خود پیام‌ها را به صورت گسترده منعکس می‌کند.

من در پایان این مباحث ارزشمند می‌خواهم برای مخاطبان خوب مجله رشد پیش‌دبستانی روشن کنید که پیام شما در کسوت شاعر درباره شعر کودک برای خانواده‌ها و مربیان چیست؟»

اسدا... شعبانی پیام خود را این‌گونه بیان کرد: «خانواده‌ها و مربیان باید با توجه به ادبی بودن ادبیات کودک، حقوق کودکان را رعایت کنند. کودکان حق دارند شعر و قصه ویژه خودشان را داشته باشند که با آن زندگی کنند نه این‌گونه آموزش ببینند. آموزش در سرشت و بطن هر اثر

پی‌نوشت

1. Action